

شرح التَّسْوِيَةِ  
بِإِثْرِ الْفَارِغَةِ وَالْقَبُولِ

رسالة  
د. محمد توفيق جواد عربي

مُحِبُّ اللَّهِ تَابِي

تصحیح و تعلیق  
مليحه معلم



شرح التَّسْوِيَةِ  
بِإِثْرِ إِفَادَةِ وَالْقَبُولِ

رسالة  
در وحدت وجود ابن عربی

مُحِبُّ اللَّهِ النَّبَلِيُّ

تصحیح و تعلیق: ملیحه معلم



انتشارات مولی

سرشناسه : ملحه

عنوان قرارداد: التوسیه بین الافاده والقبول شرح

عنوان و نام پدیدآور: شرح التوسیه بین الافاده والقبول/ محب الله الابدی، تعلیقات و تصحیح ملحه ملحه، مشخصات نشر: تهران، مولی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: شست و شش، ۶۲ ص، مصور، ۵۱۴ × ۵۲۱ سم.

شابک: 978-600-339-049-2

وضیعت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: الابدی، محب الله، ۹۹۶ - ۵۸ - ۱۰. التوسیه بین الافاده والقبول -- نقد و تفسیر

موضوع: وحدت وجود (فلسفه اسلامی)

موضوع: (Pantheism Islamic philosophy)

موضوع: فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: Islamic philosophy -- Early works to 20th century

موضوع: عرفان -- متون قدیمی تا قرن ۱۴

موضوع: Mysticism -- Early works to 20th century

شناسه افزوده: الابدی، محب الله، ۹۹۶ - ۵۸ - ۱۰. التوسیه بین الافاده والقبول شرح

رده بندی کنگره: ۱۳۱۵ BBR۵۵ / ۳۰۲

رده بندی دیویی: ۱۸۹۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴-۱۱۹۹



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب- چهارراه ابوریحان- شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۰۹۲۲۴۳-۶۶۴۰-نمابر: ۰۷۹-۶۶۴۰۰۰۷۹

www.molapub.com • molapub@yahoo.com • Instagram: molapub

شرح التوسیه بین الافاده والقبول • محب الله الابدی

تصحیح و تعلیق: ملحه ملحه، عضو هیات علمی مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)

چاپ اول: ۱۳۹۵=۱۴۳۸ • ۷۲۰ نسخه •  $\frac{۲۶۱/۱}{۹۵}$

شابک: 978-600-339-049-2 ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۴۹-۲

خوشنویسی: استاد حمید عجمی

حروف نگاری: درچه کتاب • لیتوگرافی و چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی  
۲۰۰۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

مقدمه مصحح .....	هفت
سلسله چشتیه در هند .....	نه
شرح احوال شیخ محب‌الله‌الله‌آبادی .....	پانزده
آثار شیخ محب‌الله‌الله‌آبادی .....	هجده
روش تصحیح متن .....	بیست و هفت
وحدت وجود از دیدگاه شیخ محب‌الله‌الله‌آبادی بنا بر رساله التسویه .....	سی و دو
حقیقت یکتایی وجود و سریان آن در جمیع صور و اشیا .....	سی و سه
علم شهودی و علم حصولی .....	سی و هفت
اهتمام عرفا به شرع و عرف .....	چهل
نسبت واجب و ممکن بایکدیگر .....	چهل و چهار
خلق مدام .....	چهل و نه
عینیت وجود واجب و ذات وی .....	چهل و نه
نسبت روح محمدی و جبرئیل .....	پنجاه و دو
تسویه مفید وجود و قابل وجود .....	پنجاه و چهار
تصویر نسخه‌ها .....	شصت
متن کتاب التسویه .....	۵۲-۱
فهارس .....	۵۳

## مقدمه مصحح

کتاب حاضر حاصل تلاشی است که در دوران تحصیل در دانشگاه همدردهلی، به موازات تکمیل رساله دکتری<sup>۱</sup>، بر روی میراث به جا مانده زبان فارسی در آن دیار به عمل آمد. سرزمین هند میراثی هشتصد ساله از زبان و ادب فارسی را در خود نهفته دارد؛ میراثی که در گوشه و کنار این سرزمین در قالب کتیبه‌ها و یادبودها و رساله‌ها و کتاب‌ها در آغوش آن جای گرفته است. میراث مکتوب به جای مانده موضوعات مختلفی از فن و هنر تا طب و ریاضی، حکمت و فلسفه و شعر و عرفان را دربر دارد و صد افسوس که آن همه، امروز در آن دیار مهجور است و غریب و در زیر انبوه غبار کتابخانه‌ها به دست فراموشی و گاه نابودی سپرده شده است.

آشنایی با رساله التسویه بین الافادة و القبول از شیخ محب‌الله‌آبادی (۹۹۶- ۱۰۵۷ه.ق.)، که در آن دیار اله‌آبادی می‌خواندش، در آن مجال به تبع بررسی و تحقیق در احوال و آثار و افکار این عارف فقید دست داد. انتخاب آن برای تصحیح به دلیل آن بود که این رساله کوچک لبّ و اساس افکار وحدت وجودی شیخ را دربرداشت و در حکم آیینه تمام‌نمای آراء او در این زمینه به شمار می‌آمد. دلیل دیگر این انتخاب کم‌حجم بودن این اثر در جنب دیگر آثار شیخ بود، که همه پر حجم بودند و قطور، و در آن فرصت کوتاه مناسب

می‌نمود و فرصتی معتنم در اختیار می‌نهاد تا حداقل یکی از آثار وی را بتوان به منصفه ظهور و معرفی رساند.

با وجود تصحیح متن براساس نسخه‌های متعدد در آنجا، تا مدت‌ها پس از بازگشت صرافت چاپ و عرضه این اثر در سر نبود؛ مضافاً آنکه برای بازنگری، نسخه‌های مورد استفاده در آنجا در دسترس نبود. اما به پیشنهاد برخی از دوستان به آنچه بود اکتفا، و به عنایت متولیان انتشارات مولی فرصت این امر فراهم شد تا همان صورت فراهم آمده و کار به ثمر رسیده به حلیه چاپ آراسته شود، شاید علاقه‌مندان و دوستان را به کار آید و نیز فتح بابی شود برای توجه بیشتر به تصحیح آثاری که در کتابخانه‌های آن سامان چشم انتظار همزبانان و مشتاقان ادب و عرفان‌اند.

شخصیت شیخ محب‌الله به چند جهت جای آن دارد که مورد تفحص و بررسی قرار گیرد، هم به دلیل دیدگاه خاص عرفانی او و ارادت بی‌چون و چرای وی به محیی‌الدین عربی و هم به دلیل بعد سیاسی و جایگاه خاصی که در عهد خود از آن برخوردار بوده است. زمان حیات این عارف هندی مقارن است با عصر گورکانیان هند و دوره سلطنت شاهجهان (م. ۱۰۶۸ ه.ق.)، نوه اکبرشاه (م. ۱۰۱۴ ه.ق.) امپراتور بزرگ هند، که اوج شکوفایی و دوره طلایی این سلسله محسوب می‌شود. روابط نزدیک شیخ با داراشکوه (م. ۱۰۶۹ ه.ق.) شاهزاده قادری مسلک، و ارادت وی به ایشان تا بدانجاست که در نامه‌ای که داراشکوه به وی می‌نویسد، پذیرش فرمانداری‌الله‌آباد را به خاطر وجود شیخ در آن دیار قید می‌کند: «جامع علوم ظاهری و باطن حاوی مراتب صوری و معنوی، میان شیخ محب‌الله، را از محب فقرادعا و سلام برسد. از گرفتن صوبه‌الله‌آباد بیشتر خوشحالی از وجود شریف ایشان است. هر کاری و مهمی که در آن رعایت مومنان باشد، به باقی‌بیگ، اثر می‌نموده باشند و اخلاص اینجانب را به فقرا به درجه‌اعلی‌شناسند. (مکتوبات)»

شناخت شیخ محب‌الله و بررسی آثار وی، بخصوص مکتوبات او، بازنمایی است از جریان‌های فکری و اجتماعی که در عصر وی در آن دیار حاکم بود. دعوای دوگروه «شهودیه» و «وجودیه» در آن زمان و حضور شخصیت‌های برجسته‌ای چون عارف مشهور

میان میر (۹۵۷-۱۰۵۴ ه.ق.) که داراشکوه سکینه الاولیاء خود را به او تقدیم کرد؛ شیخ عبدالحق محدث دهلوی (۹۵۸-۱۰۵۲ ه.ق.)؛ شیخ احمد سرهندی (۹۷۱-۱۰۳۴ ه.ق.) در رأس معتقدان شهودی، شیخ عبدالرشید جونپوری (۱۰۰۰-۱۰۸۳ ه.ق.)، ملامحمود جونپوری (۹۷۳-۱۰۲۹ ه.ق.) سرسخت ترین مخالف شیخ محب الله، و سرمد کاشانی (م. ۱۰۷۲ ه.ق.) که در آنجا به سرمد شهید شهرت دارد، از ویژگی های بارز این دوره زمانی است. هر چند برخی از این اشخاص در دوره حیات شیخ حضور نداشتند، اما نزدیکی دوره آنان با دوره حیات شیخ و نیز تداوم جریان فکری در زمان آنها توجه ویژه ای را می طلبد. آثار محب الله عمدتاً بازخوانی و بازنمایی افکار و وحدت وجودی و آثار شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی است و هم از این روست که در آن دیار وی را "شیخ کبیر" می نامند.

به تناسب تعلق شیخ محب الله به طریقه چشتیه، به تاریخ این طریقه در هند و سپس به احوال و آثار شیخ اشاره ای گذرا می شود.

### سلسله چشتیه در هند

سلسله چشتیه اولین سلسله حائز اهمیتی است که در هند مستقر شد و در تاریخ دینی و فرهنگی این دیار تا قرن سیزدهم نقشی ویژه داشت. «چشت» طبق کتاب تاریخ مشایخ چشت نام دو ناحیه است؛ نخست ناحیه ای در خراسان و دیگری منطقه ای در هندوستان بین ایالت اوش و مولتان. سلسله چشتیه را مرتبط با چشت خراسان و خواجه ابواسحاق شامی (م. ۳۲۹ ه.ق.) می دانند که پیش از همه به این عنوان شناخته شد. آمده است که وی از آسیای صغیر هجرت نمود و در چشت خراسان رحل اقامت افکند و بدین عنوان نام بردار شد.<sup>۱</sup>

در روایتی دیگر آورده اند که چون خواجه ابواسحاق شامی به خانقاه خواجه ممشاد علی دینوری (م. ۲۹۸ ه.ق.) در رزی مریدی در آمد، دینوری پس از شنیدن نام وی او را گفت که از این پس تو چشتی نامیده خواهی شد و مردم چشت از تو کسب هدایت کنند و هر کس

دیگر که در این سلسله درآید، نیز چشتی نامیده شود.<sup>۱</sup>  
 ابواسحاق مرید و سپس خلیفه دینوری گردید و احتمالاً پیش از سال ۲۶۰ ه.ق. به  
 چشت وارد شد، اما پس از آن به شام بازگشت و در سال ۳۲۹ ه.ق. در عکا درگذشت.<sup>۲</sup>  
 پس از خواجه اسحاق چهارتن که چهار رکن سلسله چشتیه به شمار می‌روند<sup>۳</sup> وارثان  
 روحانی او شدند که عبارتند از:

۱. خواجه ابواحمد (م. ۳۵۵ ه.ق.) که جانشین ابواسحاق شد.
۲. خواجه ابو محمد (م. ۴۱۰ ه.ق.) که پسر و جانشین ابواحمد بود.
۳. خواجه ابو یوسف (م. ۴۵۹ ه.ق.) جانشین ابواحمد.
۴. خواجه ابو مودود (م. ۵۲۷ ه.ق.) که پسر و جانشین ابو یوسف بود.

خواجه معین‌الدوله چشتی در سلسله خواجهگان چشت جای دارد و معرفی این سلسله  
 در سرزمین هند به او باز می‌گردد. گفته‌اند پیش از وی یکی از صوفیان چشتی به نام سلطان  
 شیخ سرور در هند حضور یافت، اما زمان حضور وی کوتاهتر از آن بود که بتوان او را بانی  
 این سلسله در آنجا دانست.<sup>۴</sup>

در خصوص خواجه معین‌الدین چشتی اطلاعات موثقی در دست نیست؛ حتی تاریخ و  
 درگذشت وی نیز مغشوش است. در دو اثر بزرگ چشتیه، فوائدالغواد و خیرالمجالس، به او  
 هیچ اشاره‌ای نشده است. سیرالعارفین، که سه قرن پس از وی در طریقه سهروردیه به نگارش  
 درآمد، تنها منبعی است که در مورد وی اطلاعاتی در اختیار می‌گذارد.

خواجه معین‌الدین چشتی: خواجه معین‌الدین حسن، پسر سید غیاث‌الدین حسین، به  
 سال ۵۳۶ ه.ق. در سنجر، شهری در سیستان زاده شد. نسب وی از طرف مادری به امام  
 حسن علیه‌السلام و از سوی پدر به امام حسین علیه‌السلام می‌رسد.<sup>۵</sup> در عنفوان جوانی شاهد به

۱. سیدالاولیاء، ص ۴۹.

2. *Islamic mysticism, sufism*, p.2.

3. *sufism, its saints & shrines*, p. 175-176.

4. *The Early chishti sufis of India*, p.2.

۵. بحر زخار، ص ۲۵۶.



تاراج رفتن سرزمین مادری به دست سواران تاتار بود و این امر تأثیری عمیق در روح و روان وی به جانهاد. بعدها ملاقات با یکی از مجذوبان الهی به نام شیخ ابراهیم قندوزی بر عمق این اثر افزود و موجب بروز احوال خاص در او گردید و او را به جستجوی مرشدی معنوی برانگیخت<sup>۱</sup>. چند سالی در سمرقند به تکمیل تحصیلات دینی پرداخت و سپس برای تلمذ در محضر حسام‌الدین بخاری عازم سمرقند شد. در آخر به حرّان نیشابور و در خدمت خواجه عثمان هارونی (م. ۶۱۸ ه.ق) در آمد. پس از کسب مقامات روحانی در محضر وی به عنوان خلیفه شیخ و به اشاره او عازم هند شد.<sup>۲</sup>

به سال ۵۶۰ ه.ق. در اجمیر هند ساکن شد و در ۶۳۳ ه.ق. در آن سامان درگذشت. مقبره‌اش در آن دیار زیارتگاه محبان و عاشقان از هر مذهب و تبار است.<sup>۳</sup>

**خواجه بختیار کاکي:** قطب‌الدین بختیار کاکي میراث‌دار معنوی و خلیفه و جانشین روحانی خواجه معین‌الدین چشتی است. وی در سال ۵۸۱ ه.ق. در فرغانه از ایالت اوش (در ازبکستان فعلی) به دنیا آمد<sup>۴</sup>. در تصوف از چند تن خرقه دریافت کرد. در بغداد به محضر شهاب‌الدین سهروردی و عبدالقادر راه یافت. در همین شهر در مسجد ابواللیث به ملاقات معین‌الدین چشتی نائل و مرید وی شد. با مستقر شدن خواجه در اجمیر او نیز بغداد را به قصد هند ترک کرد. در مسیر خود به سوی اجمیر مقابر صوفیه و نیز مشایخ آنان چون بهاء‌الدین زکریا مولتانی (م. ۶۶۱ ه.ق.)، از مشایخ طریق سهروردیه راز یارت نمود. چون به دهلی وارد شد از طرف خواجه معین‌الدین به نیابت و خلیفگی شیخ و سکونت در آنجا مأمور شد.<sup>۵</sup>

خواجه قطب‌الدین به دو عنوان بختیار و کاکي شهرت دارد. عنوان نخست را پیر و مرشد وی، معین‌الدین به او اطلاق کرد و عنوان دیگر را گفته‌اند چون در کنار حوض شمسیه در دهلی برای برآوردن خواهش دل برخی از احباب از آن حوض نان کاک به آنان تقدیم داشت، به کاکي شهرت یافت. وی در ۶۰۲ ه.ق. در دهلی درگذشت و آرامگاهش در دهلی در

۳. همان، ص ۲۳-۲۵.

۱. کبرنامه، ص ۲۳۸. ۲. بحر زخار، ص ۴۴۴-۴۴۳.

4. Muslim Revivalist movement in northern India, ... p. 16-17.

۵. سیدالاولیاء، ص ۵۸.

محلّه مهرولی، نزدیک قطب منار، جای دارد.<sup>۱</sup>

بابا فریدالدین گنج شکر: فریدالدین مسعود گنج شکر که بیشتر به عنوان بابا فرید شهرت دارد، خلیفه و جانشین خواجه بختیار کاکاکی است. آورده اند که از خاندانی شریف و اصیل از کابل بود که در حمله چنگیز به آن دیار، جدش به همراه اهل و عیال به پنجاب هجرت نمودند و بعدها فریدالدین در آنجا زاده شد.<sup>۲</sup>

در هفده سالگی به مریدی خواجه بختیار کاکاکی درآمد. پس از به پایان رسیدن تلمذ در نزد بهاء الدین ذکریا مولتانی، به دنبال خواجه قطب الدین عازم دهلی شد. اما از آنجا که بیشتر خواستار خلوت و عزلت بود، با اجازه مرشد خود به هانسی و سپس به اجود یارفت و شانزده سال نیز در کوه توال در ایالت مولتان ساکن شد. در سنین بسیار بالا از دواج کرد. یکی از دختران وی با علی احمد کالیاری، از پیران کالیار، از دواج کرد.<sup>۳</sup>

پس از بابا فرید (۱۲۸۰ ه. ق.) طریقه چشتیه به دو شاخه منقسم شد؛ «شاخه نظامیه» که به خواجه نظام الدین اولیاء می رسد و «شاخه صابریه» که به علاء الدین علی احمد صابری کالیاری بر می گردد و شیخ محب الله الله آبادی از این شاخه است و به تناسب به تاریخ مختصر این طریقه اشاره می شود.

طریقه صابریه چشتیه: مخدوم علاء الدین علی احمد صابری از پیران کالیار است که در سال ۵۴۹ ه. ق. در هرات به دنیا آمد. در هفت سالگی پدرش دار فانی را وداع کرد و مادرش عهده دار سرپرستی او شد و تربیت او را به برادرش، بابا فرید، سپرد. احمد صابری در دامن دایی خود، فریدالدین گنج شکر، رشد و تربیت یافت. در نوجوانی، بابا فرید او را به سرپرستی لنگرخانه (آشپزخانه) خانقاه خود برگماشت. آورده اند که چون مادرش به دیدار وی آمد و او را زار و نزار یافت؛ از برادر خود به دلیل غفلت از احوال وی گلایه نمود. بابا فرید با استفسار از وی دریافت که با وجود خدمت در لنگرخانه، به دلیل عدم تصریح به اجازت صرف غذا از طرف وی در آنجا، از خوردن غذا امساک ورزیده است. بابا فرید که از

۲. بحر زخار، ص ۴۷۹.

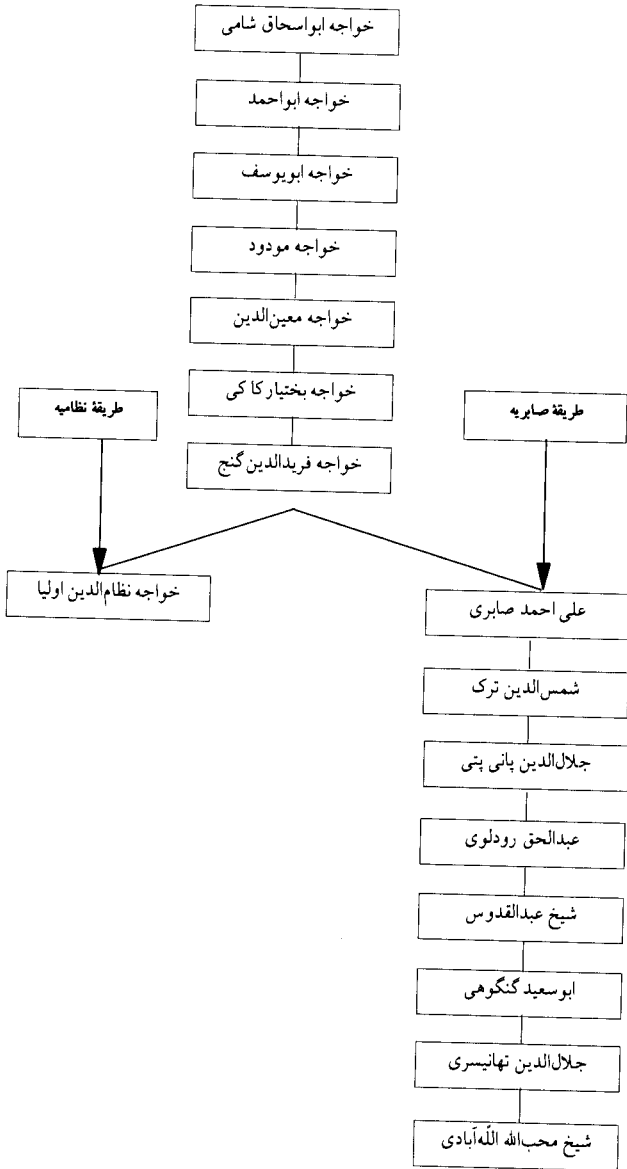
۱. اخبار الاخیار، ص ۲۵-۲۷.

۳. سیرالاولیاء، ص ۷۴-۶۷.

صبر و تحمل وی به شگفت آمده بود، او را به عنوان «صابر» ملقب نمود و پس از وی این طریقه به «صابریه» مشهور شد.

پس از مدتی بابا فرید، علی احمد را به خلافت خود منتصب و به کالیار اعزام نمود. وی تا پایان عمر (۶۹۰ ه. ق.) در این ناحیه مقیم بود و مرید و ملازم دائمی اش، شمس الدین ترک (م. ۷۱۸ ه. ق.)، جانشین وی گردید.<sup>۱</sup> در احوال وی آورده اند که بسیار پرجذبه بود تا آنجا که بیشتر مریدان جرأت و جسارت نزدیک شدن و هم صحبتی با او را در خود نمی دیدند. خصوصیات جلالی او را نقطه مقابل خصوصیات جمالی نظام الدین اولیا، سرسلسله شاخه دیگر چشتیه می دانند. این دو شیخ را مظهر «وجه جلالی» و «جمالی» تلقی می کنند، در حالی که شیخ نظام الدین اولیا در دوران حیات و پس از آن مقبره و آرامگاهش پذیرای هزاران بازدید کننده است؛ احمد صابری کالیاری عمدتاً در تنهایی و عزلت بوده است. اهل تصوف اولی را از اهل صحبت و جلوت و دیگری را اهل خلوت دانسته اند.

شمس الدین ترک جانشین و خلیفه علی احمد صابری گردید؛ پس از وی نیز شیخ جلال الدین پانی پتی (م. ۷۲۳ ه. ق.) که نماینده اندیشه وحدت وجودی در هند است، جانشین او شد. شیخ عبدالحق رودلوی (م. ۸۳۶ ه. ق.) پس از وی و شیخ عبدالقدوس گنگوهی (م. ۹۴۴ ه. ق.) پس از و سپس شیخ جلال الدین تھانیسری (م. ۱۰۲۴ ه. ق.) و آنگاه شیخ ابوسعید گنگوهی (م. ۱۰۵۸ ه. ق.) به ترتیب دیگر مشایخ این سلسله اند و سپس شیخ محب الله آبدی است. سلسله خواجگان چشت را می توان چنین ترسیم کرد:



## شرح احوال شیخ محب‌الله‌آبادی

از جمله شارحان و به‌ویژه مروجان نامی مذهب و مسلک شیخ اکبر، محیی‌الدین ابن عربی، در هندوستان شیخ محب‌الله‌آبادی است. نام کامل وی محب‌الله بن شیخ مبارز بن شیخ پیر، از اخلاف شیخ فریدالدین گنج‌شکر است که نسبت وی به خلیفه ثانی، عمر بن خطاب می‌رسد. تاریخ تولد وی را دوم صفر ۹۹۵ هجری قمری برابر با ۲۳ دسامبر ۱۵۸۷ میلادی در قریه صدرپور از توابع خیرآباد از منضعات آود (لکهنو فعلی) آورده‌اند.<sup>۱</sup> هر چند آغاز حیات وی معاصر با دوران جلال‌الدین محمد، اکبر پادشاه بزرگ گورکانی است، بخش عمده زندگی وی مقارن با دوره جهانگیر و پس از وی شاهجهان بوده است؛ به‌ویژه توجه خاص داراشکوه به ایشان و مکاتبات وی با شیخ حائز اهمیت است. جدّ مادری شیخ نیز قاضی اسماعیل هرگامی است که در عهد خویش به نوبه خود از معرفت باطنی و علوم عقلی و نقلی بهره‌ور بوده است.<sup>۲</sup> شیخ محب‌الله را عمدتاً به لقب شیخ کبیر و شیخ عجم یاد کرده‌اند، چنانکه مؤلف بحر‌زخار در ذکر وی آورده است که «تحقیقات و تدقیقاتش در علم تصوف به درجه اجتهاد رسیده بلکه می‌رسد که شیخ محی‌الدین ابن عربی را شیخ اکبر و وی را شیخ کبیر گویند.»<sup>۳</sup>

آغاز تحصیلات شیخ محب‌الله در صدرپور و در محضر والد ایشان و دیگر علمای آن سامان بود. سپس برای کسب علوم و معارف بیشتر در سال ۱۰۱۴ ه. ق. به سوی لاهور، که آن‌هنگام مرکز علم و ادب و کانون فنون و آداب بود، روانه گردید. در لاهور در حلقه‌ی درس ملا عبدالسلام لاهوری، که خود از شاگردان میرفتح‌الله شیرازی در هند بود، حضور یافت. از جمله همدرسان وی در آن زمان می‌توان به شخصیت‌های برجسته‌ای چون میان میرلاهوری، محمد میرسیوستانی و سعدالله خان تمیمی اشاره کرد که اخیرالذکر بعدها در دربار شاهجهان به مقام وزارت منصوب گردید و حکایات و روایات بسیاری در خصوص

۱. سوانح عمری‌الشیخ‌الکبیر محب‌الله‌آبادی، ص ۱۲؛ ذکرا المعارف، ص ۹-۱۰.

۲. سوانح عمری، ص ۱۲؛ تاریخ مشایخ‌الله‌آباد، ص ۵۶.

۳. بحر فرخار، نسخه خطی ۹۵۷.

روابط نزدیک و صمیمی وی و شیخ محب‌الله نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

شیخ در کتاب انقاس الخواص خویش شرح مختصری از حیات و حوادث روزگار خود آورده و اشاره کرده است که در ابتدای جوانی نزد فرزانه‌ای که از علوم باطنی بهره داشت، قرائت شرح تلخیص می‌نمود و او شیخ را روش حبس دم آموخته و به فراگیری علم تصوف توصیه فرموده بود. در ابتدای تحصیل به دلیل غلبه شوق تحصیل علوم ظاهر، شیخ چندان به علم تصوف وقعی نمی‌نهاد. چون در طلب علم راهی لاهور گردید، در آن سامان در منزلی سکونت گزید که در مجاورت آن دیوانه‌ای مسجون به سر می‌برد. شبی دیوانه درگذشت و همسر وی چنان به ناله و فغان بانگ برآورد که شیخ از آن احوال منقلب گردید و اندیشه مبدأ و معاد و بحث روح دام‌نگیر وی شد. در نهایت خود را از درک این معما بدان پایه عاجز و ناتوان یافت که به زبان حال و قال مقرر گردید که «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا -۳۲/بقره». شیخ گوید که برای حل این معضل به شرح قرآن بیضاوی رو نموده و به قرائت آن مشغول گردید، اما هوا حس و وساوس همواره جدانشدنی می‌نمودند، تا آنکه به مدد برخی الهامات و واردات و رؤیت مقام نبوی در رؤیا تا حدی از حیرت و پریشانی رها گردید.<sup>۲</sup>

بنا بر قول شیخ در انقاس الخواص، پس از اتمام تحصیلات ظاهری در لاهور، وی روانه وطن گردید و چندی بعد به دارالخلافة احمدآباد داخل شد. در آنجا بار دیگر پس از رؤیت مقام نبوی در عالم رؤیا و احساس عدم رضایت ایشان از این عمل، احمدآباد را ترک کرد و دوباره در وطن سکنی گزید؛ به تدریس علوم مشغول شد و پس از آن راهی دهلی گردید. در خصوص اقبال شیخ به عالم عرفان و تصوف، چون سایر بزرگان، حقیقت و افسانه بایکدیگر درآمیخته و حکایات و روایات نقل کرده‌اند: از جمله آنکه جامه صدارت را، که در عهد شاهجهان به دلیل لیاقت و کاردانی بر وی پوشانده بودند، به اشاره غیبی از جانب حضرت خواجه بختیار کاکی به کسوت فقر و درویشی بدل نمود.<sup>۳</sup> اما باز بنا بر گزارش خود ایشان در

۱. ذکرا المعارف، ص ۱۶، سوانح عمری ۱۳، ۱. ۲. انقاس الخواص، برگ ۳-۵.

۳. سوانح عمری شیخ محب‌الله، ص ۱۵-۱۷؛ ذکرا المعارف، ص ۲۷؛ بحر زخار، ص ۱۳۸، تاریخ مشایخ

الله‌آباد ص ۵۸؛ کواکب ص ۵۷-۵۹.

ذکر احوال شخصیه که در اثر خویش آورده است، پس از خواندن و شنیدن احوال مشایخ ماضیه و حکایات احوال آن بزرگان، که موجب شوق دیدار اولیا کرام در ایشان شده بود، مخبری وی را از احوال شیخ ابوسعید گنگوهی مطلع می‌سازد «...اخبار مخبر یا احوال شیخی و مرشدی القاطع عما سوی الحق الشیخ ابی سعید بن نور بن علی بن الشیخ العارف عبدالقدوس الحنفی و عرفانه.»<sup>۱</sup> پس آهنگ دیدار وی نمود و به طواف وی احرام بست «فاحرمت بطوافه و وصلت بحضرته و هویدرس لمعات العراقی.» پس از آن شیخ دست ارادت و بیعت به جانب ایشان دراز نمود و در محضر شیخ ابوسعید گنگوهی (۱۰۴۹ ه. ق. / ۱۶۳۹ م) که خود نواده شیخ جلال تهنیسری و خواهرزاده شیخ عبدالقدوس گنگوهی و از مشایخ طریقه صابریه چشتیه است - به طی سلوک عرفانی و کسب مقامات روحانی مشغول گشت. وی در مدتی کوتاه، مراحل سیر منازل و مقامات را پشت سر نهاد و به دریافت خرقة خلافت نائل شد، تا آنجا که این امر حسد سایر مریدان را برانگیخت و به شیخ ابوسعید معترض گردیدند که چرا وی را بدین سرعت نائل به چنین درجاتی گردانده است. آمده است که شیخ در حق وی فرمود که مقام و استعداد وی (محب الله) بدان پایه است که گویی در یک دست چراغ و در دست دیگر آتش حمل می‌کند و تنها منتظر شرایط مناسب برای برافروختن چراغ است.<sup>۲</sup> پس از دریافت خرقة خلافت، به موجب اجازت شیخ خویش به جانب صدر پور روانه گردید و نخستین اثر خود، ترجمه الکتاب، را در آنجا تألیف کرد. پس از چندی به اشاره پیر خود جلای وطن کرد و قصد الله آباد نمود. پیش از ورود به الله آباد به زیارت برخی مقابر مشایخ عظام مبادرت نمود از جمله در رودولی به زیارت شیخ احمد عبدالحق رودولوی مشرف شد و در آنجا با شیخ عبدالرحمن چشتی، صاحب مرآة الاسرار، ملاقات نمود و چند روزی میهمان وی بود. همچنین در مانکپور به زیارت شیخ حسام الدین مانکپوری نائل شد. پس از ورود به الله آباد در آنجا سکونت گزید و به امر تدریس و تربیت مریدان مشغول شد. به دلیل اقامت طولانی در این شهر که تا پایان عمر شیخ، نهم رجب ۱۰۵۷ هجری قمری برابر با ۱۶۳۸ میلادی، به درازا کشید به الله آبادی

۱. انقاس الخواص برگ ۶.

۲. ذکر المعارف، ص ۳۵.

مشهور گردید. مریدان و اخلاف و اولاد وی نیز در این شهر رحل اقامت افکندند. خانقاه وی، که عمدتاً در هند از آن به دایره یاد می‌شود، در حال حاضر همچنان در محله بهادر گنج الله آباد پابرجاست و شاه سیف‌الله از اخلاف شیخ، که دهمین نسل وی محسوب می‌شود، به عنوان سجاده‌نشین در این مکان اقامت دارد. اما مزار شیخ در الله آباد در موضع دیگری به نام قریشی پور در محله کتب گنج می‌باشد.

### آثار شیخ محب‌الله الله آبادی

شیخ محب‌الله الله آبادی را می‌توان در زمره مؤلفان پراثر برشمرد. ۲۵ اثر منسوب به وی، اگرچه به تعداد ممکن است چندان ننماید، از نظر حجم و اندازه عمدتاً بسیار حجیم است. مخطوطات وی به زبان فارسی و عربی در کتابخانه‌های هند و انگلیس و ایران و پاکستان موجود است. وجود یک یا چند اثر از وی در بسیاری از کتابخانه‌های هند نشان‌دهنده اهمیت آثار اوست. عمدتاً محور آثار وی بحث وحدت وجود است.

تعداد آثار وی در تذکره‌های مختلف تا حدودی متفاوت است؛ در کتاب سوانح عمری شیخ محب‌الله به ۱۸ اثر اشاره شده، در کواکب نام ۲۲ اثر و در ذکر المعارف ۲۳ اثر آمده است. همچنین در سایر منابع و فهرس نسخ خطی نیز معمولاً به ۱۸ تا ۲۳ اثر اشاره شده است که به اجمال عبارتند از:

- ۱- المغالطات، ۲- تجلیه الفصوص، ۳- شرح فصوص فارسی، ۴- مختصر شرح فصوص فارسی، ۵- عبادة الخواص، ۶- مناظر اخص الخواص، ۷- انفاس الخواص، ۸- امالة القلوب، ۹- عقاید الخواص، ۱۰- غایة الغایات، ۱۱- ترجمة الكتاب، ۱۲- حاشیة المرتبة الرابعة من المراتب الاربعة، ۱۳- رساله سه رکنی یا اوراد محبی، ۱۴- رساله وجود مطلق، ۱۵- مراتب الوجود، ۱۶- رساله سیر الهی، ۱۷- رساله اعانة الاخوان، ۱۸- رساله التسویه بین الافادة والقبول، ۱۹- شرح رساله تسویه، ۲۰- رساله مقدمة المعارف مشهور به هفت احکام، ۲۱- غایة الغایات، ۲۲- رساله التوحید، ۲۳- مجموعه مکاتیب.



ترجمة الكتاب: این کتاب تفسیرگونه‌ای است به زبان عربی که هدف عمده آن تبیین و توجیه آراء وحدت وجودی ابن عربی با استناد به آیات قرآنی است؛ از این رو تفسیر وی از آیات قرآنی در برخی مواضع خلاف نظر علماء ظاهر به نظر می‌رسد. در عهد ششمین سجاده‌نشین در خانقاه شیخ، ظاهراً دستنویسی از این کتاب وجود داشته است،<sup>۱</sup> ولی در حال حاضر در مجموعه آثار شیخ در آنجا، متأسفانه، این کتاب به چشم نمی‌خورد.<sup>۲</sup> نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه‌تانگ در راجستان به شماره ۱۱۸۲ وجود دارد که در برگ اول آن آمده است که «این کتاب ترجمه‌الکتاب حضرت میان شیخ محب‌الله‌آبادی قدس سره عطیه شاه محمد اجمل‌الله‌آبادی سلمه ربه...» و تاریخ ۱۱۹۴ در آن قید شده است. پس از آن، دو برگ فهرست مطالب کتاب، آمده است. در دیباچه کتاب شیخ اشاره می‌کند که این کتاب مشتمل «بر اربع مراتب» است که عبارتند از مرتبه اول در کلام، مرتبه ثانی در احکام فقهیه ضروریه، مرتبه ثالثه در طریقه، و مرتبه اربعه در حقیقه که هر مرتبه مشتمل بر فصول و تنبیهاست. نسخه دیگری از این کتاب در کتابخانه ایندیا آفیس به شماره ۱۰ I ۱۳۶۹ موجود است.<sup>۳</sup>

حاشیه ترجمه‌الکتاب: چنانکه شیخ در دیباچه این اثر نوشته، چند سال پس از تألیف ترجمه‌الکتاب مدعو به مراتب اربعه، در صد‌دنگارش حاشیه‌ای بر آن برآمده است که عمده مطالب آن برگرفته از فتوحات مکیه و فصوص‌الحکم بوده است و نیز اقوال برخی اکابر اهل‌الله، تا تحکیمی باشد بر معارفی که در کتاب خود عرضه کرده است. تاریخ آغاز نگارش آن بنا بر قول شیخ، چهارشنبه بیست و پنجم ربیع‌الاول سال ۱۰۵۴ است «و وقع بدایة هذا التحشی فی يوم الاربعاء الخامس والعشیرین من ربیع‌الاول من سنة الاربعة والخمیس والالف». نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه پیر محمدشاه گجرات و میکروفیلم آن به شماره ۲، ۳۴ در مرکز میکروفیلم نور در دهلی وجود دارد. همچنین آدرس نسخه دیگر در

۲. همانجا و تاریخ مشایخ‌الله‌آباد، ص ۱۵.

۴. حاشیه‌المرتبة‌الاربعة، برگ ۱.

۱. سوانح عمری شیخ محب‌الله؛ ۳۲.

۳. سوانح عمری شیخ محب‌الله، ص: ۳۲.